

سازمانده کمونیست

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

نشریه کمیته تشکیلات کشور

۷/۴/۲۰۰۶ - ۱۸/۱/۱۳۸۵

۱۴

جمعه ها منتشر میشود

تدارک اول ماه مه و اتحاد برای آزادی رهبران شرکت واحد

اسد گلچینی

مراسم و تجمع های کارگری در روز جهانی کارگر در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی نقطه تمرکز کشمکش و اتحاد برای برداشتن قدمهای بعدی بوده است. همواره یکی از امید بخش ترین قدم های پیشروی طبقه کارگر ایران در اول ماه مه ها تبلور پیدا کرده است. اول ماه مه امسال نیز باید این خصوصیات و این امید را پیش از گذشته تجلی کند. نبود آزادی، ممنوعیت تشکل های آزاد کارگری و مصائب و محرومیت های طبقه کارگر، همواره اول ماه مه را به روزی مهم در کشمکش ها و صف آرایی های طبقه کارگر و بورژوازی و دولتتس برای احقاق حقوق کارگران تبدیل کرده است. اول ماه ۸۵ بدون تردید ادامه آگاهانه تر این کشمکش است. اول ماه مه روز جشن جهانی طبقه کارگر است و روز اتحاد جهانی طبقه ما در مقابل سرمایه داری است. در ایران اما و در ادامه اول

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

چگونه میتوان از تکرار تجربه تلخ تنها ماندن سندیکای کارگران شرکت واحد جلوگیری کرد

محمود قزوینی

مبارزه میکنند و تازه وقتی اعتصابشان خاتمه یافته است، بارش اصفهان اعتصاب را شروع میکنند. و یا همزمان کارگران چندین کارخانه و مرکز کاری برای دستمزدهای معوقه دست به اعتصاب میزنند، بدون اینکه میان آنها هماهنگی صورت گرفته باشد. اصلا ارتباطی میان آنها باشد. اعتصاب در شرکت واحد هم بدون اتصال و همیاری با مراکز دیگر کارگری صورت گرفت و تا آخر هم تنها ماند و از پشتیبانی وسیع هم طبقه ایهای خود در ایران محروم ماند

چگونه میتوان در همین شرایط بر این مشکل فائق

صفحه ۲

خود و مقبول نشان دادن خود به این نسل نبوده و نیست. آنچه که این رژیم را سر پا نگه داشته است در درجه اول سرکوب و اختناق است. کمونیستها و رادیکال های جوان در ایران چگونه میتوانند در چنین شرایطی قادر شوند که به هدف خود برسند و در عین حال موجب بدام افتادن و حذف خود توسط پلیس نشوند. تلاش رژیم این بوده و هست که به شکل های مختلف فعالین و سازماندهندگان اعتراض و مبارزه و هر مخالف حتی نیمه جدی خود را به زندان و حبس محکوم کند و با بهر شکل دیگری از فعالیت و زندگی اجتماعی دور کند. آنها را زمین گیر کند.

در عین حال این گفته یاشار، مبنی بر اینکه مرحله ای از روبرویی است و چیزی جز زنجیرهایمان برای از دست دادن نداریم، اگر از لحاظ آمادگی و درک

صفحه ۳

حمایتها کمتر سازمانیافته است. مورد سندیکای شرکت واحد استثناء نیست. کارگران بهشهر و خاتون آباد و شاهو و نساجی سنندج و پتروشیمی اراک نیز مورد حمایت دیگر کارگران قرار نگرفتند. بر سر یک خواست مانند دستمزدهای معوقه در سال صدها اعتصاب صورت میگیرد که هیچ هماهنگی با یکدیگر ندارند. نه تنها این، بلکه کارگران اعتصابی که برای یک معضل مشخص مانند پرداخت دستمزدهای معوقه به میدان آ

مده اند از یکدیگر نیز حمایت نمیکند. کارگران بهشهر اعتصاب میکنند و یک ماه تمام

تجربه تنها ماندن سندیکای کارگران شرکت واحد و عدم پشتیبانی بخشهای مختلف طبقه کارگر از آن یک تجربه تلخ برای هر فعال و رهبر کارگری در ایران بوده است. هنوز اساتلو در زندان است و رژیم فعلا وقعی به سندیکا نمیگذارد. این بسیار برای همه ما تلخ است. شکی نیست علت اصلی این وضعیت در متشکل نبودن کارگران و عدم وجود تشکل

مستقل کارگری است. بدون تشکل مستقل، حمایت بخشهای مختلف کارگری از یکدیگر بسیار بندرت صورت میگیرد و این

از میان نامه ها

ملزومات رو در رویی ها با رژیم

اسد گلچینی

چندی پیش برای یاشار که یک رفیق کمونیست و از نسل جوانان انقلابی و پر شور است، ملاحظه ای از سر امنیتی نوشتم. پاسخ کوتاه و بسیار مهمی برایم نوشت که فکر کردم از چند لحاظ قابل توجه فعالیت همه ما کمونیستهاست.

" من میدانم که جمهوری اسلامی اگر بخواهد بهانه برای گرفتن من و دوستان را دارد. اما ما واقعا حاضریم بهای آنرا بپردازیم. چه چیزی را از دست میدهیم؟ اینکه جز زنجیر های مان چیزی برای از

دست دادن نداریم به نظر من فقط یک شعار نیست. بلکه واقعا یک مرحله از مبارزه رودرو است. من این را علاوه بر نظر لمس میکنم."

نسل جوان و تعیین تکلیف با این رژیم در نگاه اول و بدرستی، پاسخ یاشار تماما در برگزیده پاسخ نسل جوان امروز ایران به وضعیت کنونی است. این پاسخ این نسل به آینده است. پاسخ درست و انقلابی به این وضعیت است، تعهدی است که این نسل از خود متوقع است. و هم زمان پاسخی است که دقیقا توازن قوای بین مردم و رژیم را بیان میکند. یاشار و دوستانش حتی میدانند که رژیم ممکن است آنها را دستگیر کند ولی میدانند که رژیم چندان هم دستش برای این کار باز نیست. این کشمکش و روبرویی است که بین این نسل و رژیم در جریان بوده است. رژیم اسلامی قادر به تحمیل

ادامه مقاله سازمان و سبک کار کمونیستی، چه فرقه ای و سازمانهای غیر حزبی، نوشته کورس
مدرسی در شماره های آینده منتشر میشود

متشکل شوید! به حکمتیست ها پیوندید! با ما تماس بگیرید!

ادامه تدارک اول ماه مه...

ماه مه سالهای گذشته، یک محور اساسی نبرد و مبارزه ما آزاد کردن اسرایمان از زندان و مبارزه برای آزادی تشکل است. دقیقاً همانچیزی که در یک سال گذشته سوت رودرویی اجتماعی و علنی آن بوسیله کارگران شرکت واحد و دیگر تجمع های کارگری در مراسم های اول ماه مه زده شد. چنانچه شاهد بودیم این نبرد کماکان نیز در جریان است. سال گذشته کارگران شرکت واحد در اولین قدم خود مهر باطل بر شوراهای اسلامی زدند، خواستههایشان را طرح

کردند و برای آن مبارزه سختی را شروع کردند که همچنان ادامه دارد. اول ماه مه ۸۵ بدون تردید اگر قادر به هر اقدام و تاثیر گذاری باشد باید در ادامه این مبارزات و آزادی رهبران کارگران شرکت واحد از زندان باشد. آزادی منصور اساتلو و منصور حیات غیبی یک محور مبارزه ما و همه کارگران و مبارزین این روز است. آزادی این دو نفر هم اکنون به عنوان نشان پیشروی طبقه ما برای هر مبارزه دیگری است. راه پیشروی و مبارزه ما در حال حاضر از این راه عبور می کند. طبقه کارگر پیشروان و

رهبرانش را نباید تنها بگذارد. رژیم و سرمایه داران بر تحمیل جنگی فرسایشی در صدد فرسوده کردن سندیکای شرکت واحد و کارگران بوده است. تدارک اول ماه مه و برگزاری با شکوه روز کارگر و فریاد بلند در همه جا برای آزادی منصور اساتلو و منصور حیات غیبی، بار دیگر باید به معنای صف آرایی جدی ما و کوتاه نیامدن بر سر خواستهها و مطالبات و آزادی این رهبران شرکت واحد از زندان باشد. باید یک صف متحد و هم صدا در کنار کارگران شرکت واحد برای این خواستشان بوجود بیاوریم.

کار ما تمرکز کردن بر این خواست و بسیج خود و بسیج هر نیرویی آزادیخواه بر این محور است. تهران، سنندج، دانشگاه و همه مبارزان و تشکل ها، همه زنان و مردان آزادیخواه را برای این آماده کنیم. هر گروه و جمعی برای خود اولویت ها و تقدیم هایی دارد. ما تلاش کنیم این اولویت طبقه کارگر و مبارزه اش را، به اولویت همه این مبارزان و کوشندگان اول ماه مه تبدیل کنیم. طبقه کارگر میتواند با این تمرکز برای آزادی اسرایمان از زندان یک قدم جدی برای پیشروی بردارد.

آمد؟ نمیتوان حمایت بخشهای مختلف کارگری از مبارزه یکدیگر را به کسب تشکل موکول کرد. حتی نمیتوان آن را به تشکیل مجمع عمومی در کارخانه و محل کار و انتخاب نماینده و در ارتباط قرار گرفتن نماینده ها با یکدیگر موکول کرد. این البته کاری است ممکن و شدنی در حال حاضر. اما پیشروی و پسروی در این کار به خیلی فاکتورهای دیگر وابسته است که همگی با اراده فعالین کارگری در محل که به معضل اشرف دارند هم حل نمیشود. برای همین باید کار دیگری را در دستور قرار داد. شکی نیست که برای جلوگیری از تکرار چنین تجربه ای باید به تشکل یابی وسیع طبقه کارگر یاری رساند. اما آیا تا دستیابی همه بخشهای کارگری به تشکل مستقل و مبارز خود ما باید انتظار چنین تجربه های تلخ را داشته باشیم. آیا راه میانبری وجود ندارد؟

گسترده تر ساختن رابطه رهبران و فعالین کارگری بخشهای مختلف کارگری با یکدیگر میتواند جلوی تکرار این تجربه تلخ را در همین شرائط کنونی بگیرد. پیوند هر چه گسترده تر و هر چه سراسری تر شبکه محافل فعالین و رهبران کارگری راه فائق آمدن بر این مشکل در شرائط امروز است. تجربه تلخ شرکت واحد یکبار دیگر به ما گوشزد کرد که از طبقه کارگر غیر متشکل نمیتوان زیاد انتظار داشت. نمیتوان به کارگران خرده گرفت که چرا همکاران خود را تنها گذاشتید.

میان بخشهای مختلف جنبش کارگری و یا حتی ایجاد هماهنگی در مبارزات بر سر مسائل مشخص مانند پرداخت دستمزدهای معوقه و حمایت از سندیکای شرکت واحد، باید فکری برای ایجاد رابطه و پیوند وسیع رهبران عملی با یکدیگر کرد. من قبلاً به این معضل در مقاله ام با عنوان عبور از محافل کارگری به نهادهای کارگری سراسری پرداختم. از آن زمان تاکنون نهادهایی در ایران شکل گرفتند که به دلایلی که از حوصله این مقاله خارج است در گام برداشتن در رفع این معضل زیاد موفق نبودند.

نیست. یکی از علل اینکه فعالین و رهبران سندیکای شرکت واحد، علاوه بر تلاششان نتوانستند، کارگران بخشهای دیگر را به حمایت از خود بکشانند، همین عدم وجود و یا محکم نبودن رابطه فعالین و رهبران کارگری در سطح وسیع با یکدیگر است.

تاکنون به جز موارد نادری مانند شرکت واحد که رهبران و فعالین آن موفق به ایجاد تشکل پایدارتر خود در شکل سندیکای کارگری شده اند، مبارزات کارگری در بخشهای عمده و بزرگ صنعتی در ایران عموماً از طریق تشکیل مجمع عمومی پیش برده میشود. راه دستیابی گسترده و انبوه به تشکل پایدارتر مانند شورا و سندیکا در ایران امروز، همچنان از کمال تشکیلی مجمع عمومی و انتخاب نماینده و یا نمایندگان و ارتقاء و گسترش آن استوار است. سازمانیابی نوده ای کارگران در شرائط کنونی از طریق مجمع عمومی منظم و هیئت نمایندگی مجمع عمومی صورت میگیرد.

البته کارگران شرکت واحد نشان دادند که در شرائط کنونی میتوان به تشکل پایدارتر مانند سندیکا و شورا نیز دست یافت و آن را حفظ کرد. اما چیزی که من میخواهم در اینجا به آن بپردازم به مسئله سازمانیابی نوده ای کارگران مربوط نیست. بلکه به سازمانیابی فعالین و رهبران کارگری مربوط است.

مبارزات جاری و روزمره کارگران در ایران که در سال به هزاران اعتصاب کوچک و بزرگ میرسد، توسط رهبران عملی کارگری در محل صورت میگیرد. اعتصاب و مبارزات پراکنده کارگری نشان میدهد که ارتباط میان این رهبران عملی با هم دیگر وسیع نیست. ارتباط این رهبران محدود به فعالین کارگری در محل کار خودشان و یا حداکثر با رهبران عملی هم صنف خود میباشد. پراکندگی در مبارزات و اعتصابات بر سر دستمزدهای معوقه در نساجی ها نشان میدهد که میان رهبران عملی یک صنف هم رابطه ای برقرار نیست و یا رابطه بسیار ضعیفی برقرار است. برای بیرون آوردن مبارزات کارگری از پراکندگی و ایجاد هماهنگی در

با گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری، مسئله ختمه دادن به پراکندگی و به میدان آوردن نیروی متحد و سراسری کارگران معضل روز هر فعال کارگری است. به این مشکل در شرائط کنونی چه پاسخی باید داد؟ در مقابل تعداد کمی از رهبران و نمایندگان شناخته شده هستند، صدها و هزاران فعال و رهبر کارگری، اعتصاب و اعتراض موفقیت آمیز و غیر موفقیت آمیز را در جامعه کسی نمیشناسد. ارتباط میان رهبران و فعالین کارگری معهود مانده است. دست رهبران و فعالین کارگری در دست صدها فعال و رهبر دیگر

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

در شرایط نبود تشکل سراسری کارگران، پیوند نزدیکتر و عمیق تر فعالین و رهبران کارگری، در اتحاد سراسری کارگران و سازماندهی اعتراضات سراسری نقش موثری دارد. در صورت وجود یک ارتباط گسترده و عمیق میان فعالین و رهبران کارگری در بخشهای مهم صنعتی، میتوان امیدوار بود که سندیکای شرکت واحد و یا در آینده شورا و یا سندیکای فلان کارخانه و بخش از حمایت کارگران بخشهای دیگر برخوردار میشود. اما چگونه میتوان این پیوند را عمیق و گسترده ساخت. چگونه میتوان دست فعالین و رهبران کارگری اعتصاب بهشهر را در دست فعالین و رهبران خاتون آباد و دست پتروشیمی و بهشهر و خاتون آباد و نساجی سندج را در دست سندیکای شرکت واحد گذاشت.

راه نزدیک شدن و پیوند سریع

شرایط پیشروا
از میان نامه ها...

است، منتها از لحاظ مهیا کردن ملزومات و نیلزمندیهای این رودرویی ضعیف است و فاقد تشخیص و ارزیابی درست از نیرو و توانی است که برای این رودرویی نیاز داریم. وقتی این اظهار نظرات یاشار و رفقای دیگری که چنین فکر میکنند حتی با سازمان و ملزومات سازمانی پیرامون خود این رفقا، با توان، سازمان و نیرویی اجتماعی، متشکل و آگاهی که امروز از کارگران و مراکز مهم کارگری و یا جوانان داشته باشیم، مقایسه میکنیم این خلا کاملاً خود نمایی میکند.

مساله سرکوب و نبودن آزادی برای بیان صریح و مستقیم و سازمان و تشکل، مشکل اصلی است که ما با آن روبرو هستیم. ما کمونیستها در چنین وضعیتی مانند افراد و جریاناتی که فرق چندانی با رژیم و فلسفه وجودی آن ندارند نمیتوانیم فعالیت کنیم. مشکل بسیاری از این جریانات اپوزیسیون داخل و خارج افراطی بودن رژیم است و نه موجودیتی که برای این نسل قابل قبول نیست. و چنانچه

رهبران و فعالین کارگری به یکدیگر این نیست که شبکه های محافل کارگری مانند سالهای دهه 60 و 70 با یکدیگر به تدریج با هم ارتباط بگیرند، بلکه براه انداختن انجمن ها و کانونهایی از فعالین و رهبران کارگری است. کانونها و انجمن هایی از فعالین کارگری بر سر مسائل و مطالبات متنوع کارگری باید شکل بگیرد. میتوان بر سر هر مطالبه و مسئله طبقه کارگر و یا یک بخش آن، نهاد و انجمن دایر کرد. انجمن حق آزادی اعتصاب، انجمن پیگیری دستمزدهای معوقه، انجمن همبستگی کارگران، کانون تلاش برای آزادی تشکل و... این نهادها این امکان را فراهم میسازند که رهبران و فعالین کارگری در سطح وسیع با هم آشنا شوند، پیونشان عمیقتر شود و مبارزات بخشهای مختلف طبقه را با یکدیگر

هماهنگ سازند. این تشکل ها میتوانند مانند یک نهاد سراسری فعالین و رهبران کارگری عمل کنند. در صورت وجود دهها نهاد فعال که هر کدام به مرکزی برای فعالین کارگری تبدیل شده اند، میتوان امیدوار بود که تجربه تلخ شرکت واحد تکرار نخواهد شد و فعالین و رهبران کارگری میتوانند بخشهای مختلف طبقه را به حمایت از یکدیگر بکشانند.

همینجا باید بگویم که تجربه چند نهاد مربوط به کارگران که در سالهای اخیر در ایران اعلام موجودیت کرده اند، چندان موفقیت آمیز نبوده است. آنها نه اهداف روشنی برای خود داشتند و نه پراتیک روزمره شان توانسته است چاله ای را پر کند و واقعا به مرکزی برای پیوند رهبران عملی کارگران تبدیل شود.

جمهوری اسلامی به آنها مجال بدهد قادرند و میتوانند در جوار و در رکاب باشند. کار ما ولی متوجه کردن جامعه به خواست خودمان، تصمیم همین نسل امروز یاشار، و سازمان دادن آن برای سرنگون کردن و برانداختن است. به همین دلایل، تشخیص اینکه چه زمانی، چه زمان رودرویی است و چه زمانی نبرد های تعیین کننده و با آخر را میکنیم باید متناسب با توان و قد و قامتی باشد که بخود گرفته ایم. این را راستش نه تنها خودمان باید بدانیم، بلکه مردم هم ما را به این عنوان که قادر به پیروزی در این رودرویی خواهیم شد باید بپذیرند و قبول کنند تا قادر شوند تصمیم بگیرند با ما همراه شوند. کار ما باید آماده کردن، قانع کردن، همراه کردن و سازمان دادن همین نسلی باشد که این خواست و توقع را دارد. این تصمیمی فردی نمیتواند باشد و یا حداقل برای کمونیستها این مطلقاً تصمیمی فردی و گروهی نمیتواند باشد. باید راه حلی اجتماعی برای آن یافت. راه حلی که منجر به قیام آگاهانه محرومان و ناراضیان جامعه است، راه حلی که توده مردم هنگام پذیرفتن رهبران آن و یا حزب رهبر اعتراض و قیام، به آن روی می آورند. راه انداختن

و سازمان دادن قیام و طغیانهایی که به جیب کسان دیگری سرازیر میشود کار ما نیست. مشی چریکی هم مشی و کار ما نیست که منتهی به طغیان چریک در کوه و با جنگل و یا خانه های تیمی میشود.

آنچه که در نوشته یاشار موجب نگرانی است همین تشخیص است.

به نظر من رفقای کمونیست و مشخصاً ما، برای نزدیک کردن و یا منطبق کردن اهداف و آرزو ها با ملزومات آن، ۲ کار مهم را باید در دستور داشته باشیم

۱- خود را بعنوان فعالین و سازماندهندگان این مبارزه مردم در راس یک تلاش سازمان یافته و قدم به قدم برای جلب همه انسانهای رادیکال و فعالین انقلابی و کمونیستی که در محل کار و زندگیمان است قرار بدهیم. تک تک ما و یا جمع ما در محلی که کار و زندگی میکنیم این قابلیت و توان را داشته باشد که با تعداد بسیار زیادی از مردم در رابطه باشند، همه بدانند که ما ها آدم های ازادبخواه و برابری طلب، عدالتخواه و امروزی، در پی این هستیم که دست در دست همدیگر بگذاریم و اعتراضمان را یکی کنیم، راه رهایی از این

کمیته تشکلات کل کشور

بهرام مدرسی (دبیر) : bahram-modarresi@freenet.de
اسد گلچینی: agolchini@yahoo.com
مظفر محمدی: mozafar_mohammadi@yahoo.com

وضعیت را نشان میدهیم و برای آن تشکل و گروه و جمع و روزنامه و سایت و .. راه می اندازیم و به این اشکال هم در پی کاری که قرار است انجام دهیم هستیم. خلاصه باید کاری بکنیم که بیشترین نفوذ و اعتبار و رفاقت و هم نظر پیدا کنیم و خود ما هم توانسته باشیم از میان بهترین هایمان کمیته کمونیستی را سازمان داده باشیم.

۱- واحد های گارد آزادی را سازمان بدهیم. امروز تشکلات واحد های گارد آزادی یکی از مهمترین اقدامات برای فراهم کردن این ملزومات است. اینها کاری است که به نظر من ما را برای دوره های رودر رویی که فرا نرسیده است، هر چه بیشتر آماده میکند. دوره کنونی را اگر دوره رودر رویی تعیین کنیم و این ملزومات را فراهم نکرده باشیم هم در برابر اقدامات سرکوبگرانه پلیس توان مقابله نخواهیم داشت و هم در هر تحول و بحرانی قادر به حضور قدرتمند از طریق فعالین و رهبران با نفوذ در میان مردم، سازمان منطبق و قوی حزب، حضور واحد های مسلح و آماده گارد آزادی، محروم خواهیم شد.